

اگر جشنواره نبود چه کار می کردیم؟



خارجی ها فکر کردند چه خبر است

واقعاً این خارجی ها فکر می کنند نوبرش را آورده اند و چه خبر است. هی مرتب کاخ جشنواره اسکار و کن و برلین و... را به رخ ما می کشند و به ما فخر می فروشند. امسال ما با برگزاری جشنواره بین المللی فیلم فجر در برج میلاد یک تو دهنی محکم به آنها زده ایم که مادر هر چه از شما عقب تر باشیم از لحاظ فرهنگی، شما حالا حالا باید دنبال ما بدوید. امسال کاخ جشنواره را در برج میلاد راه انداختیم تا ثابت کنیم اگر بخواهیم می توانیم و اسکار و کن و ونیز باید بروند جلو بوق بزنند.

اگر جشنواره فیلم نبود چه می شد؟

واقعاً پس از سالها هنوز نفهیمده اما اگر سینمای ایران جشنواره فیلم فجر را نداشت چه اتفاقی برایش می افتاد. تقویم سینمایی مملکت ما به یک دوره دو - سه ماه پر کار و یک دوره ۹، ۱۰ ماهه بی حال و کم رمق تقسیم می شود و بیشتر فیلمسازان ما وارد ماههای آبان و آذر که می شوند تازه می فهمند که باید فیلمشان را جلوی دوربین بیاورند و به قول معروف آن را به جشنواره برسانند. من یک سوال کمی تاقسمتی جدی دارم و آن این که اگر جشنواره ای وجود نداشت و از تقویم سینمای مملکت مان حذف می شد، کارگردانان ما چه می کردند و وضعیت آن دو - سه ماه به اصطلاح پر کار و مسابقه ای چگونه می شد.

یک سوال مهم

یک سوال دیگر در طول سالها حضور در جشنواره برایم پیش آمده که برخی نشریات مدام رأی می گیرند و رأی می دهند و برای خودشان بدترین و بهترین فیلم را انتخاب می کنند اما این آرا و نظرات تا چه حد با نظرات مردم همخوان است؟

داوری مردانه

امسال هیات انتخاب و داوری سینمای ایران کاملاً مردانه بود و به قول معروف مردسالارانه است و در ترکیب هیات انتخاب و داوران اثری از کارشناس زن یا فیلمساز زن دیده نشد.

پنج یا هشت میلیارد؟

فیلم ملک سلیمان به گفته مطبوعات با هزینه هشت میلیارد تومانی ساخته شده اما تهیه کننده فیلم در جلسه پرسش و پاسخ گفت: این فیلم پنج میلیارد تومان هزینه دربر داشته نه بیشتر نه کمتر.



رشته خیلی انتخاب خود نبود. دوست داشتم و می خواستم در هنرستان موسیقی یا گرافیک بخوانم. جالب اینکه این قدر پدر و مادرم به من گفته بودند دوست داریم پزشک شوی در آن زمان من به شدت تحت تاثیر دنیای پزشکی بودم و سریال رامون کاخال هم برایم جذابیت خاصی داشت که داستان یک پزشک عادی بود که معروف می شد.

اولین بار که صحنه فیلمبرداری را دیدم چه زمانی بود؟

یک روز در دوران جوانی، در راه بازگشت از خانه عمویم در کرج، در مسیر سری هم به دکورهای ساخته شده مجموعه هزار داستان زدم، چرا که مرحوم علی حاتمی، ناصر تقوایی و پدرم از دوستان صمیمی و نزدیک بودند. خیلی تحت تاثیر آن فضا قرار گرفتم و برایم بسیار لذت بخش و جذاب بود.

بعد از دیپلم چه رشته ای در دانشگاه را انتخاب کردید؟

دیگر تمام عشق و علاقه ام شده بود جادوی تصویر و بازیگری و به همین دلیل در رشته سینما و تئاتر شرکت کردم و در دانشگاه دولتی و آزاد پذیرفته شدم.

با چه رتبه ای؟

در دانشگاه دولتی رتبه ام ۵۰۰ شد.

قبل از دانشگاه جایی هم مشغول بودید؟

حسابدار یک شرکت صادراتی بودم.

درس می خواندید و کار می کردید؟

بله و به توصیه استاد سمندریان فقط تئاتر کار می کردم و سال ۷۴ به عنوان بهترین بازیگر تئاتر فجر انتخاب شدم.

اولین کار تصویری که انجام دادید؟

سال ۷۴ در اولین کار تصویری ام با عنوان مجموعه تلویزیونی «کلاهی جوان» حضور یافتم.

در دانشگاه چه رشته ای تحصیل کردید؟

ادبیات نمایشی و تا به حال هم چندین نمایشنامه و سریال نوشته ام. جالب این که سر بالهایی هم که نوشتم، سریالهای پرطرفداری هم شد ولی در پایان به نام کسان دیگری تمام شد و از من فقط در حد یک تشکر خشک و خالی بسنده شد.

غیر از مطالعه کتابهای سینمایی، به خواندن چه نوع کتابهایی علاقه دارید؟

خواندن رمان را خیلی دوست دارم. تمام کتابهای هری پاتر را خوانده ام.

شنیده ام ساز فلوت را خوب می نوازید؟

از دوران کودکی صدای این ساز را دوست داشتم و خیلی از نواختن آن احساس آرامش می کنم.

اتفاقی افتاده که شما را جای کس دیگری اشتباه بگیرند؟

مدتها قبل در جاده چالوس آقای میزبان بودم و گفت: من از دیدن بازیگران، احساس خیلی خوب دارم و در پوست خود نمی گنجم و رو کرد به من و ادامه داد: آقای امین حیایی بازی شما در سریال خط قرمز خیلی خوب بود. دوستان به او گفتند: امین زندگانی است نه امین حیایی. تازه آن کسی که در سریال خط قرمز بازی می کرد شهرام حقیقت دوست بود.



نشست های کم رمق

در اکثر نشست های مطبوعاتی، فیلمسازان و عوامل فیلم های مذکور در جلسات حاضر نمی شدند. امسال رکورد بر گزار نشدن جلسات نقد و بررسی زده شد و روابط عمومی واقعاً برای بر گزار نشدن جلسات سنگ تمام گذاشت.

معایب تاریکی

یکی از معایب سالن میلاد این بود که اگر در زمان شروع فیلم و تاریکی سالن وارد می شدی، کسی نبود تو را به صندلی خالی راهنمایی کند. در یکی از سانسها دقایقی از نمایش فیلم گذشته بود و من با خیال راحت مشغول تماشای فیلم بودم که یکدفعه انگار زلزله چند ریشتری آمده و زمین و زمان جلوی چشمم تیره و تار شد. وقتی به خود آمدم و نفسی تازه کردم در یاقتم در تاریکی سالن دوست و خانم منتقدی در حد و اندازه های رمبو و حسین رضازاده به خیال این که جای خالی در ابتدای یک ردیف پیدا کرده خودش را روی صندلی که من رویش نشسته بودم رها می کند و حتم دارم می توانید تصور کنید چه اتفاقی برای من رخ داده است.

ناهار بی ناهار

در طول برگزاری جشنواره جایتان خالی چندبار بی ناهار ماندیم. گاه فیش هم داشتیم اما ناهار تمام شده بود و گاه فیش هم نداشتیم. مثل قضیه قیر هست و قیف نیست و قیف هست و قیر نیست و گاه هر دو هستند کارگری که باید باشد نیست.

عدم هماهنگی

هنگام برگزاری برخی نشست های خبری، نمایش فیلم شروع می شد و بسیاری که در جلسه برگزاری نشست حاضر بودند، دقایقی از فیلم بعدی را از دست می دادند و کسی هم به این مهم توجهی نمی کرد.

احترام به مطبوعاتی ها

علی معلم در جلسه نقد و بررسی فیلم آل به عنوان تهیه کننده گفت: به احترام دوستان مطبوعاتی به این محل آمدم و سعی کردیم برخلاف سایر دوستان، قیافه ای اپوزیسیون به خود بگیریم. احترام دوستان و اهالی مطبوعات به اعتقاد من بیشتر از آن است که دوستان پای خود را کج کنند و به نشست های مطبوعاتی نیایند.

گوشه گیری و انزوا حکم مومن آبله بر ای مغز را دارد

استفاد من سپهر